

درس هشتم

پاسداری از حقیقت

درختان را دوست می دارم
که به احترام تو قیام کرده اند
و آب را دوست دارم (حذف لفظی)

نزاله بودن
عشق و آرام
انقلاب و پیام
امام حسین (ع)

که مظهر باد تو هست
خون تو شرف را سرخون کرده است
شفق، آینه دار نجابت است
و خلق، محرابی است
که تو در آن

مجانزه از شهادت / حسن تعلیل
صداقت در راه پاسداری از ارزش
دست یافت

نزار: ابراهیم، بجای آوردن
گزار: هر چیزی که با نزار بنامد!!

گزارده ای

صوم اله
در نزار آن لودال هم
جایگاه

صرف المكان بالملین
نکته جایگاه به سالن آن است

در فکر آن گودالم
که خون تو را مکیده است
چرخ لودالی چنین رفیع ندیده بودم
در خنض غم می توان عزیز بود
از گودال پسر ← تسخیر، اسفاره، تلویح

منا ساغدن حق و باطل بر جانان
معیار حق و باطل حکارت امام حسین

بشیری که بر گوی تو آمد
هر چیز و همه چیز را در کاینات
در من
و من
و من
و من
دیگر سوزیدی...

(کسبه)
مناری محزون

کفار / منادا
لا سفره / صقره

مدر: ازی / قدر: تقدیر / عذر: ذریب

آه، کی مرگ تو معیار!
مرگ چنان زندگی را بر خیره گرفت
و آن را بی قدر کرد

میت بخشن بودن حکارت امام حسین

حکارت ← جاودانی

که مردنی چنان
غبطه بزرگ زندگانی شد
خون ← مجازات حکارت

با خون بجاست حقیقت
در یک تراز ایستاد
معیار
عین حقیقت بودن حکارت امام حسین



تابلوی ظهور عاشورا اثر استاد محمود فرشچیان

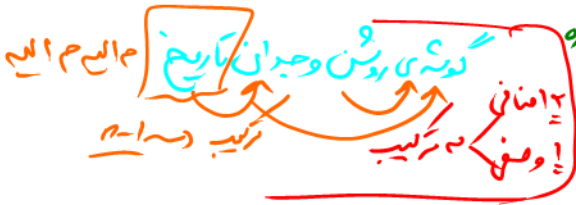
عزم: تقسیم
عظم: استخوان

عزم و عزمیت، ضامن دوام جهان شد
که جهان با دروغ می باشد = منه
و خون تو، امضای «راستی» است... ← تکیه
منه

خود با عزم جهان با دروغ
← علت دوام نداشتن جهان، دروغ
حق تکیه

تکیه
پسندای امام حسین زین
از حق

تو تها از شجاعت تسفیص، اسقاره
در گوشه روشن وجدان تاریخ ایستاده ای
بر پاسداری از حقیقت



و صداقت تکیه
شیرین ترین لجنه
بر لبان اراده توست
تسفیص، اسقاره
چندان تناوری و بلند

نابودی عمل در برابر بزرگی امام حسین

که به هنگام تماشا
کلاه از سر کودک عقل می افتد
تکیه
اسقاره، تسفیص

جلد ۲۶

بر تالابی از خون خویش تکیه
در گذر که تاریخ ایستاده ای تکیه
با جامی از فرهنگ اسقاره
و بشریت رهنما را می آشنامانی
هر کس را که تشنه شهادت است...
اسقاره

گرسن زهدگ شهادت
و خجالت انسان از ظلم پذیری

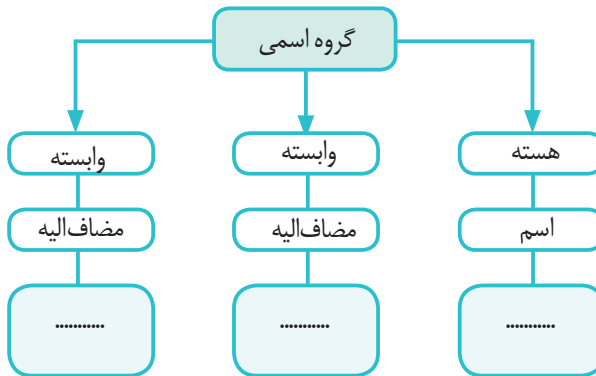
گوشواره عرش، مجموعه کامل شعرهای آیینی، سیدعلی موسوی گرماردی

منظوم

کارگاه متن پژوهی

قلمرو زبانی

- ۱ مترادف و متضاد واژه «رفیع» را از متن درس بیابید.
- ۲ از متن درس، برای نمودار زیر، گروه اسمی مناسب؛ سپس به کمک آن جاهای خالی را پر کنید.



قلمرو ادبی

- ۱ دو نمونه از کاربرد «تشخیص» در متن درس مشخص کنید.
 - ۲ شعر سپید، گونه‌ای از شعر معاصر است که آهنگ دارد اما وزن عروضی ندارد و جای قافیه‌ها در آن مشخص نیست.
- شعر «پاسداری از حقیقت» را از این دید بررسی کنید.

۳ به بیت زیر توجه کنید.

← سرگمندی از بی‌حاصلی / نگوئین بی‌حاصلی

حسن تعلیل

صائب حاصل بی‌حاصلی نبود به جز شرمندگی»

در این بیت، شاعر برای شکل ظاهری و آویزان بودن شاخه‌ها و برگ‌های درخت بید، علتی شاعرانه اما غیرواقعی آورده است و آن، سرافکندگی بید به سبب بی‌حاصلی است. وقتی شاعر یا نویسنده دلیلی غیرواقعی اما ادبی برای موضوعی بیان کند؛ به گونه‌ای که بتواند خواننده را قانع کند، آرایه «حسن تعلیل» پدید می‌آید.

«حسن تعلیل» در لغت، به معنای دلیل و برهان نیکو آوردن است؛ اگرچه این دلیل و برهان، واقعی، علمی یا عقلی نیست اما مخاطب آن را از علت اصلی دلپذیرتر می‌یابد.

■ در کدام قسمت از متن درس «حسن تعلیل» به کار رفته است؟ دلیل خود را بنویسید.

قلمرو فکری

۱ با توجه به متن درس، شاعر چه نوع مرگی را غیبطه بزرگ زندگانی می‌داند؟

۲ در متن درس، «عقل» با چه ویژگی‌هایی وصف شده است؟ چرا؟

۳ هر یک از موارد زیر، با کدام قسمت از شعر «پاسداری از حقیقت» ارتباط معنایی دارد؟

■ شَرَفُ الْمَكَانِ بِالْمَكِينِ. (ارزش هر جای و جایگاهی به کسی است که در آن قرار گرفته

در تکرار آن بودالم ...

است.)

■ وَ بَدَلْ مُهْجَتَهُ فَبِكَ لَيْسَتْ قَدْ عِبَادَكِ مِنَ الْجَهَالَةِ وَ خَيْرَةَ الضَّلَالَةِ.

(او، حسین (ع)، خودش را در راه تو داد تا بندگان را از نادانی و سرگردانی گمراهی نجات

بخشد.)

{ خونت / باخون بجهایت / در دیده از ایستاد
 / هر چه در روی تو، حسینی من / دیر سو نیزیدی

فهم

*

گنج حکمت دیوار عدل

حاکم

فهم { عمارت: آبادانی/ساختن
عمار: فراتر زایی

عامل شهرى به خلیفه نشست که دیوار شهر، خراب شده است، آن را عمارت باید کردن.

جواب نشست که شهر را از عدل، دیوار کن و راهها از ظلم و خوف پاک کن، که حاجت نیست به گل و خشت و سنگ و گچ.

تفسیر الدین!

سیاست نامه، خواجه نظام الملک نوسی
منور

ازین بالای عدالت
مانودى ستم

